مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده: شادروان عبدالجلیل وجدی
مترجم: محب الله زغم

۲۰۲۳/۰۹/۲۸

ماین تعصب در کشتزار ذهن

بخش ۶

رویارویی‌های وحشتناک:

وقتی جاپانی‌ها برای بار اول وارد امریکا شدند، امریکایی‌ها به ایشان به دیدهٔ «خطر زرد» نگریستند، آنها را «بینی پُچُق» خواندند و نام‌های عجیب و غریب دیگری بالای شان گذاشتند؛ اما خدا به جاپانی‌ها هم چشم و دهان داده بود، وقتی آنها به صورت‌های دراز امریکایی‌ها نگاه کردند، به قول جامعه شناسان آنها را «سگ روی (Dogface)» نامیدند. وقتی جاپانی‌ها به امریکا رسیدند، دهقانانی بودند که سواد کم داشتند و تحصیلات شان ناتمام باقی مانده بود. آنها طی چند دهه مورد تبعیض و تعصب شدید قرار گرفته بودند. اما آنها نسبت به مهاجرانی که از اروپا آمده بودند، به موفقیت‌های خوبی دست یافتند که این موضوع برای ما دلچسپ است. جاپانی‌ها نه تنها به امریکای شمالی بلکه به کانادا نیز رفته بودند. در این دو جامعه پروسه جذب آنها از هم متفاوت بود. نخست وضعیت آن جاپانی‌هایی را بیان میکنیم که به امریکای شمالی کوچیده بودند و بعد از احوال جاپانی‌های کانادا سخن میگوییم.

در ۱۹۰۷ سی‌هزار مهاجر جاپانی در کالیفورنیا و هاوایی امریکا ساکن شدند. در کالیفورنیا قانونی پاس شد که به اساس آن جاپانی‌ها اجازهٔ خرید زمین را نداشتند. آنها برای مدتی به نام سفید پوستان امریکایی زمین میخریدند اما زمانی رسید که به نام اولادهای خود که در امریکا به دنیا آمده بودند، زمین خریدند. در ۱۹۲۰ این مسئله که آیا به خارجی‌ها تابعیت داده شود یا نه، به رای گیری عامه گذاشته شد. در نتیجه رای گیری مردمان آسیایی از حق تابعیت و خرید زمین محروم گردیدند. در ۱۹۲۴ یک قانون فدرال، مهاجرت جاپانی‌ها و سایر آسیایی‌ها به امریکا را منع کرد. این کاری بود که در جاپان نفرت از امریکایی‌ها را افزایش بخشید و همین نفرت نیز بر آتش جنگ دوم جهانی تیل پاشید. این قانون ورود جاپانی‌ها به امریکا را متوقف ساخت. این عمل اگر از یک سو تشویش امریکایی‌ها را کم کرد، از سوی دیگر از مسیر حرکت جاپانی‌هایی باقی مانده در امریکا بعضی موانع را دور کرد، زیرا از توجه فوری امریکایی‌ها افتادند. بناً دست و بازوی شان برای کار و فعالیت آزاد شده و زمینه پیشرفت سریع برای شان میسر شد. اگر چه کار و بار نسل اول مهاجران جاپانی زراعت بود، اما پیشرفت اقتصادی شان تنها به کشاورزی منحصر نماند. تقاضا برای محصولات باغداری جاپانی‌ها خیلی زیاد بود. وسایل کار شان نیز ساده بود و پول زیادی برای تهیه آن مصرف نمیشد. آنها خود برای خودشان کارهایی پیدا میکردند و یا خود شان خود را استخدام میکردند. یک پژوهشگر امور اجتماعی کیتانو (۱۹۲۹) مینویسد که جاپانی‌ها در سال ۱۹۲۸ یک‌هزار و سه‌صد پروژهٔ کوچک کار و باری خود-اشتغالی (self employment) را داشتند که بیشتر آن در بخش باغداری بود. به همین گونه آنها برای فروش سبزی، ترکاری و میوهٔ خود بازارهای خود شان را ایجاد کرده بودند. چنان که محقق دیگری به نام لایت (۱۹۷۲) نوشته است، در سال ۱۹۲۹ جاپانی‌ها تنها در لاس انجلس ۷۰۰ مارکیت تأسیس کرده بودند. در سال ۱۹۴۰ اکثریت جاپانی‌ها در کارهای کشاورزی مصروف بودند و چنان که کیتانی (۱۹۶۹)، پیترسن (۱۹۷۱) و سویل (۱۹۸۱) نوشته اند، در کالیفورنیا یک سوم حصه داد و ستد محصولات زراعتی و تجارتی در دست امریکایی‌های جاپانی بود. لایت مینویسد که نسل اول جاپانی‌های امریکایی بر علاوهٔ کشاورزی، تشبثات کوچک دیگری را نیز آغاز کردند، انجمن‌های قرضه ایجاد کرده و به خرید زمین و جایداد پرداختند. در سال ۱۹۴۰ جاپانی‌های متولد امریکا نسبت به سفید پوستان امریکایی در تحصیلات عالی خیلی جلوتر افتادند. اوسط تحصیلات جاپانی‌های امریکایی تعلیمات عالی بود، در حالی که اوسط آموزش سفید پوستان امریکا صرف تا صنف هشتم بود. این تناسب تحصیلات عالی برای جاپانی‌های امریکا، زمینه اشتغال‌های حرفوی را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مساعد میکرد. پیشرفت جاپانی‌ها در میدان رقابت، تعصب سفید پوستان را بر می‌انگیخت. جنگ هفتم دسمبر ۱۹۴۱ همه چیز را تغییر داد. در این روز طیاره‌های جاپانی بالای بندر مروارید امریکا حمله کردند. در عین حال جاپانی‌ها بالای بعضی بخش‌های از آسیای شرقی و برخی از جزایر اوقیانوس آرام هجوم بردند. این حوادث احساسات عامه امریکایی‌ها را بر انگیخت. اکثر امریکایی‌ها در آن زمان حرف رییس جمهور خود، فرانکلین دی روزولت را محکم در گوش گرفتند که گفته بود: «هفتم دسمبر یک روز سیاه است». بعداً احساسات در مورد جاپانی‌های امریکا تغییر کرد. در ذهن اکثر بزرگان امریکا این نظریه جان گرفت که این مردم به جاپان وفادار و یا جاسوسان جاپان استند. این حوادث در امریکا نفرت و تعصب علیه امریکایی‌های جاپانی‌الاصل را بیشتر ساخت که در نتیجه ۱۵۰۰ تن جاپانی‌هایی که آشکارا از جاپان حمایت میکردند، به دلیل ملاحظات امنیتی بازداشت شدند. به علت تعصبات ناشی از این حوادث صدهزار مرد، زن و کودک امریکایی جاپانی‌الاصل که در ساحل جنوبی به سر میبردند، گرفتار شده و در کمپ‌ها زندانی شدند. سیاستمداران و نویسنده‌گان سیاسی به این کار چکچک خوشحالی زدند و به نظر میرسید که همه مردم با گفته جنرال جی. ال. دی ویت موافق اند که «جاپ، جاپ است. مهم نیست که متمدن شده است یا نه». جاپ شکل مختصر کلمه جاپانی است. تعصب کوری که از این نظریه به میان آمده بود، به صفوف هزاران سرباز امریکایی جاپانی‌الاصل که در جنگ دوم جهانی در اروپا میجنگیدند، راه یافت. در میان این سربازان، مبارز افسانوی کندک ۴۴ نیز شامل بود که قهرمانی‌های شان ارتش امریکا را صاحب نام ساخته بود. به این گونه در ارتش نیز به سربازان جاپانی به دیدهٔ شک نگریسته میشد.

زندگی منزوی اجباری در کمپ‌ها به امریکایی‌های جاپانی زیان‌های زیاد اقتصادی رساند. هزاران مزرعه و تشبثات کوچک آنها برای همیش از بین رفت و برخی از آنها به قیمت بسیار کم به فروش رسید و مالکان آنها مجبور شدند که به کمپ‌ها بروند. در این زمان تعصبات به اوج خود رسیدند. بعد از ماجرای بندر مروارید، اکثریت سفید پوستان امریکا فیصله کردند که هیچ گاهی جاپانی‌ها را استخدام نکنند و از دوکان‌های شان سودا نخرند. بعد از ختم جنگ جهانی، جاپانی‌ها تلاش‌های شان را آغاز کردند. آنها کوشش میکردند تا مقام از دست رفته خود را دوباره به دست آرند. تعداد زیادی از آنها باز هم شغل باغبانی را برگزیدند؛ اما این بار تحصیلات عالی شان که قبل از جنگ حاصل کرده بودند، کمک خوبی کرد. این قدرتی بود که بعد از جنگ، اقتصاد از بین رفته آنها را به پیش راند. در آن زمان تقاضا برای نیروی کار تحصیل کرده زیاد بود. جاپانی‌های امریکایی نسبت به سایر گروه‌های قومی و نژادی سندهایی بیشتری از کالج‌ها داشتند. سوویل (۱۹۸۱) نوشته است که در سال ۱۹۸۰ امریکایی‌های آسیایی در انجنیری و دیگر مسلک‌ها دیپلوم‌های بیشتری از سایز گروه‌های نژادی داشتند. به اساس تحقیق پیترسن (۱۹۷۱) امریکایی‌های جاپانی ۱۷ سال بعد از آن که از کمپ‌ها بیرون شدند، سطح اقتصادی شان را با امریکایی‌های سفید پوست برابر کردند و بعداً اوسط درآمد آنها نسبت به اوسط عواید سفید پوستان بیشتر گردید. علت این پیشرفت، تمرکز جاپانی‌ها در سواحل غربی بود. در آنجا مزد بلندتر بود، بناً عواید آنها نیز بیشتر شد.

وقتی که امریکایی‌های جاپانی با همت خود نابرابری اقتصادی را از میان برداشتند، در رفتار سایر امریکایی‌ها با آنها نیز تغییر سریع رونما شد. این تغییر در ساحات زیادی به چشم میخورد که یکی از آنها زمینه ازدواج بود. در مرحله اول روند ازدواج جاپانی‌ها با سایر امریکایی‌ها سریع بود. در دهه ۱۹۲۰ تنها دو در صد از این نوع ازوداج‌ها صورت میگرفت. اما طوری که لیواین و موتیرو (۱۹۷۳) نوشته اند، در دهه ۱۹۵۰ به بیست در صد و به قول هیر (۱۹۸۰) به پنجاه در صد افزایش یافت. این افزایش دراماتیک در تعداد ازدواج‌ها میان افراد دو قارهٔ متفاوت و گروه‌های قومی نژادی متفاوت نشان میدهد که در رفتار گروه‌های قومی نژادی چقدر تغییر آمده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ